

## A Critical Analysis of the Interpretation of the Verses of Imamate in the Book "Contemporary Interpretation of the Holy Quran"

Rahman Oshriyeh<sup>1</sup>

Seyyed Mohammad Hoseynipur<sup>2</sup>

(Received on: 2022-01-07; Accepted on: 2022-02-22)

### Abstract

"The Study Quran" including the translation and explanation of the verses of the Holy Quran is one of the latest commentaries, which was published in English in the Western world under the editorship of Seyyed Hoseyn Nasr and has been welcomed by the masses and the elites of the Western society. The original text of the book was translated in Iran under the title of "Contemporary Interpretation of the Holy Quran" by Enshallah Rahmati. The general method of the commentary and its annotations (written by the translator) has been the subject of critical studies and the authors of this article have listed the weaknesses of the existing Persian volumes. Although this important book has positive points, its confrontation with the interpretation of verses containing Shiite beliefs is such that its dimensions need to be investigated. Among the verses about leadership in Surah Maedah, there are verses 3 (perfection verse), 55 (guardianship verse), and 67 (propagation verse). The present study, using a descriptive and analytical method, examines the contents of the book "Contemporary Interpretation of the Holy Quran" under the above verses and with a critical approach, highlights some of the contents, such as the obvious preference for the opinions of Sunnis and not responding to their claims.

**Keywords:** Enshallah Rahmati, Verses of Imamate, Contemporary Interpretation, Seyyed Hoseyn Nasr, Quran Knowledge.

---

1. Associate Professor, Exegesis Department, University of Quran Sciences and Teachings, Qom, Iran, oshryeh@quran.ac.ir.

2. PhD Graduate in Comparative Interpretation, University of Quran Sciences and Teachings, Qom, Iran (Corresponding Author), 97111611002@quran.ac.ir.

# واکاوی انتقادی تفسیر آیات امامت در کتاب تفسیر معاصرانه قرآن کریم

رحمان عشریه<sup>۱</sup>

سید محمد حسینی پور<sup>۲</sup>

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۳]

## چکیده

کتاب The Study Quran (قرآن شناخت) مشتمل بر ترجمه و تشریح آیات قرآن کریم از جدیدترین تفاسیری است که در جهان غرب، با سرویراستاری سید حسین نصر به زبان انگلیسی منتشر شده و استقبال توده‌ها و نخبگان جامعه غربی را به دنبال داشته است. متن اصلی قرآن شناخت در ایران با عنوان تفسیر معاصرانه قرآن کریم به همت ان شاء الله رحمتی ترجمه شده است. روش کلی نگارندگان این تفسیر و تعلیقات آن (که به قلم مترجم است) موضوع مطالعات انتقادی قرار گرفته و پژوهشگران، ضعف‌های مجلدات فارسی موجود را برشمرده‌اند. هرچند این اثر مهم، نقاط قوتی هم دارد. رویارویی نگارندگان این اثر با تفسیر آیات حاوی باورهای شیعی در متن اما، گونه‌ای است تازه که بررسی ابعادش، شایسته تحقیق است؛ از جمله آیاتی درباره «امامت» در سوره مائده: آیات ۳ (آیه اکمال)، ۵۵ (آیه ولایت) و ۶۷ (آیه تبلیغ). پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی، ذیل آیات فوق، مفاد تفسیر معاصرانه قرآن کریم را می‌کاود و با رویکردی انتقادی برخی از این مفاد، از جمله تمایل آشکار به آرای اهل سنت و پاسخ ندادن به ادعاهایشان را برجسته می‌کند.

**کلیدواژه‌ها:** ان شاء الله رحمتی، آیات امامت، تفسیر معاصرانه، سید حسین نصر، قرآن شناخت.

۱. دانشیار گروه تفسیر، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران [oshryeh@quran.ac.ir](mailto:oshryeh@quran.ac.ir)

۲. دانش آموخته دکتری تفسیر تطبیقی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران (نویسنده مسئول)

[quran.ac.ir@97111611002](mailto:quran.ac.ir@97111611002)

## مقدمه

آثار تفسیری مکتوب در جهان غرب به زبان انگلیسی تا پیش از سال ۲۰۱۵، بر متونی با تمایل آشکار به اهل سنت، متمرکز بود و جای خالی متنی محققانه و حاوی باورهای شیعی (یا دست کم، حاوی مطالب مقایسه‌ای آرای فریقین) در آن فضا، کاملاً خالی می‌نمود. در ۲۰۱۵ اما، کتاب *The Study Quran* (قرآن شناخت) را انتشارات هارپر سان فرانسیسکو در یک جلد و حدود ۲۰۰۰ صفحه به زبان انگلیسی منتشر کرد که طبق ادعای سرویراستار در مقدمه، ضمن بی‌طرفی محض در مسائل گوناگون، آرای نامدارترین مفسران هر دو فرقه شیعه و سنی را بازگو می‌کند. قرآن شناخت، در طول ده سال به همت جمعی از قرآن پژوهان تازه‌مسلمان یا مسلمان زاده، تحت نظارت و سرویراستاری سید حسین نصر، استاد ایرانی، مسلمان و شیعی مذهب دانشگاه جرج واشینگتن، نگاشته شد و توانست ظرف مدت کوتاهی، استقبال تفسیر پژوهان و حتی مستشرقان را به دنبال داشته باشد. با این همه، متن اصلی این اثر، چونان سایر آثار بشری، قوت‌ها و ضعف‌هایی دارد که پژوهشگران در جای خود، به واکاوی و شناسایی آنها اهتمام ورزیده‌اند.

پس از انتشار قرآن شناخت در جهان غرب، ان‌شاء الله رحمتی، آن را با عنوان تفسیر معاصرانه قرآن کریم به زبان فارسی ترجمه کرد و تا زمان نگارش پژوهش حاضر، جلد اول و دومش به زیور انتشار آراسته شده است. صرف نظر از مقدمات و تعلیقات، جلد اول تفسیر معاصرانه حاوی ترجمه و تفسیر سوره‌های فاتحه، بقره و آل عمران، و جلد دوم نیز حاوی ترجمه و تفسیر سوره‌های نساء، مائده و انعام است. پیش‌بینی مترجم، انتشار ترجمه فارسی کل قرآن شناخت، در هشت مجلد است، به انضمام جلد دیگری که به جستارهای وابسته در قالب مقالات، اختصاص خواهد یافت (نصر، ۱۳۹۹: ۳۱/۱). اقدام ارزنده مترجم به ترجمه فارسی قرآن شناخت، فرصتی را برای نقد سازنده این اثر مهم ایجاد کرده است؛ زیرا با این ترجمه در گام اول، مطالعه کتاب برای فارسی‌زبانان را میسر کرده و در گام دوم، امکان

ترمیم ضعف‌ها و تدوین قرآن‌شناختی دقیق‌تر و کامل‌تر برای مخاطبان غربی را فراهم آورده است. اسناد ایجابی عبارت «تفسیر معاصرانه» برای عنوان فارسی کتاب قرآن‌شناخت اما، مناقشه‌برخی از پژوهشگران را در پی داشته که در جای خود، شایسته تحقیق است.

عناوین متعددی از مفاد تفسیر معاصرانه، قابلیت بررسی علمی با رویکرد انتقادی دارد؛ از جمله، مطالب تفسیری ذیل آیاتی که درباره «امامت» در سوره مائده مطرح شده و فضایی جدید را در رویارویی آرای مفسران فریقین به تصویر کشیده و نمونه‌ای در آثار پیشین ندارد. این آیات عبارت‌اند از: آیات ۳ (آیه اکمال)، ۵۵ (آیه ولایت) و ۶۷ (آیه تبلیغ) سوره مائده که طبق روایات نقل شده در جوامع روایی فریقین، شیعیان آنها را مرتبط با موضوع ولایت و جانشینی حضرت علی (ع) دانسته‌اند و اهل سنت علی‌رغم نقل روایاتی چند در این باب، آیات یادشده را متصل با سیاق و شامل معانی دیگری غیر از ولایت آن حضرت می‌دانند. اثبات ادعای شیعه، موضوع بحث تحقیق پیش رو نیست. در این پژوهش، صرفاً روش تفسیر معاصرانه در رویارویی و نقل اخبار فریقین در این کتاب، را بررسی می‌کنیم.

از این رو، مقاله حاضر ضمن ترسیم فضای حاکم بر متن و تعلیقات تفسیر معاصرانه، با روش توصیفی تحلیلی که از مطالعه متن محور تنها مجلدات منتشرشده آن (جلد اول و دوم) برآمده، ابتدا مفاد تفسیری تفسیر معاصرانه را ذیل آیات فوق با رویکرد انتقادی می‌کاود و سپس برخی از گزاره‌های نادرست موجود در متن تفسیر آن آیات را نقد می‌کند.

بدیهی است بررسی و نقد چنین مطالبی در کتاب تفسیر معاصرانه، علاوه بر ترمیم آثار آتی مشابه در جهان غرب، قادر است ترجمه سایر مجلدات فارسی آن را نیز تقویت کند و به یاری قلم (بعضاً اصلاحی) مترجم، در قالب تعلیقات مجلدات آتی این کتاب، بشتابد.

امید است در آینده، سایر آثار مشابه غربی و نیز مجلدات آتی تفسیر معاصرانه، در متن خود و مخصوصاً در آیات اعتقادی و کلامی، باورهای شیعه را به درستی منعکس کنند و مقایسه‌ای دقیق‌تر از آرای فریقین صورت دهند.

### پیشینه تحقیق

با توجه به اینکه مدت مدیدی از چاپ کتاب تفسیر معاصرانه نمی‌گذرد، پژوهش علمی چندانی در نقد این کتاب در دست نیست. پیشینه تحقیق پیش رو، مصاحبه‌ها، نشست‌ها و گفت‌وگوهای پراکنده‌ای است که برخی از پژوهشگران، درباره این اثر ترتیب داده‌اند و نیز مقاله‌ای با عنوان «روش‌شناسی قرآن‌شناخت (تفسیر معاصرانه قرآن کریم) با رویکرد انتقادی» در دومین کرسی علمی، برگزار شده به همت دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم با مشارکت جامعه المصطفی، به قلم نگارندگان همین مقاله که در مجله قرآن پژوهی خاورشناسان، در ویژه‌نامه‌ای که به نقد تفسیر معاصرانه اختصاص یافته است، انتشار یافت.<sup>۱</sup>

### ۱. تحلیل مبانی کتاب تفسیر معاصرانه

ویراستار اصلی تفسیر معاصرانه (سید حسین نصر) در مقدمه، برخی از مبانی این کتاب را برشمرده است، از جمله: معاصرانه بودن متن تفسیر، نگارش بر مبنای عالی‌ترین سطح پژوهشی، بی‌طرفی و نداشتن حد و مرز مذهبی، نژادی یا جغرافیایی و نقل مفاد تفسیری فریقین، نمایش کیفیت فهم مسلمانان از قرآن در تاریخ تفسیر، بهره‌گیری از مفاد معتبرترین، پُرخواننده‌ترین و پذیرفته‌ترین تفاسیر سنتی، زمینه‌سازی برای تشخیص آرای ناصواب غیرمسلمانان و کشیدن خط بطلان بر آن‌ها و استفاده از روش تفسیری قرآن به قرآن (نصر، ۱۳۹۹: ۶۶/۱-۷۹). علی‌رغم اینکه پژوهشگران به اثبات و رد ادعاهای فوق در متن تفسیر معاصرانه برخاسته‌اند، مطالعات پژوهش پیش رو نیز حاکی از محقق‌نشدن عناوین فوق در تفسیر آیات امامت (۳، ۵۵ و ۶۷) در سوره مائده است. ناگفته نماند که سرویراستار محترم، مسئولیت تمام مفاد کتاب را بر عهده گرفته است؛ زیرا متن تفسیر معاصرانه حاوی دو دسته اصلی از مطالب، یعنی گزینش و تفسیر، است که در هر دو، اجتهاد وی رخ

می‌نماید (نصر، ۱۳۹۹: ۷۳/۱). در ادامه، مفاد تفسیری یکایک آیات فوق و راستی آزمایشی ادعاهای سرویراستار در مقدمه، بررسی می‌شود.

## ۲. آیات امامت در سوره مائده

آن سان که گذشت، بخش نخست از مقاله پیش رو، مطالب مطرح شده ذیل آیات امامت در سوره مائده (۳، ۵۵ و ۶۷) در متن تفسیر معاصرانه را می‌کاود و با رویکردی انتقادی، به داوری آن مطالب می‌نشیند.

### ۲.۱. آیه اکمال

نخستین آیه محل بحث در سوره مائده، آیه اکمال است که می‌فرماید: «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ الْمَيْتَةَ وَالْدَّمَ وَ لَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَ مَا أَهَلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَ الْمُنْخَنِقَةُ وَ الْمَوْقُوذَةُ وَ الْمُتَرَدِّدَةُ وَ النَّطِيحَةُ وَ مَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَيْتُمْ وَ مَا ذُبِحَ عَلَى التُّصْبِ وَ أَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكُمْ فَسُقُ الْيَوْمَ يَيْسُ الَّذِيْنَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَ اخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنْ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (مائده: ۳). ترجمه تفسیر معاصرانه از این آیه چنین است: «بر شما حرام است مردار و خون، و گوشت خوک، و آنچه به غیر خدا پیش کش شده باشد، و آنچه با خفه شدن یا کتک خوردن جان داده است، و آنچه با پرت شدن کشته شده یا در اثر شاخ زدن [حیوان دیگری] به آن مرده است، و آنچه حیوانات درنده متلاشی کرده‌اند، مگر اینکه آن را پاک کنید، و آنچه در برابر محراب‌های سنگی قربانی شده است، و آنچه با تیرک‌های بخت‌آزمایی تقسیم می‌کنید. این، تبهکاری است. امروز کسانی که کفر می‌ورزند، از دین شما نومید شده‌اند. پس از آنان مترسید، و از من بترسید! امروز دین شما را برای شما کامل و نعمت خویش بر شما را تمام کردم، و تسلیم (اسلام) را به منزله دین شما، پسندیدم. پس

هر کس در اثر گرسنگی، بدون تمایل به گناه، ناگزیر است، در آن صورت به راستی خداوند آمرزنده مهربان است» (نصر، ۱۴۰۰: ۲/۲۷۴).

صرف نظر از بایدها و نبایدهایی که در بخش نخست و بخش پایانی آیه اکمال، درباره خوردنی‌های حلال و حرام آمده و خارج از موضوع مقاله حاضر است، بخش میانی آیه در فضای تفسیری فریقین، از دیرباز در معرکه آرای گوناگون بوده است؛ در باور شیعه (که برخی از روایات عامه نیز مؤید آن است)، این بخش از آیه در غدیر خم نازل شده و مربوط به امامت و مخصوصاً معرفی حضرت علی (ع) از سوی پیامبر اکرم (ص) به عنوان جانشین خود و سرپرست مؤمنان است و با این حساب با سیاق پس و پیش، اتصالی ندارد و در باور اهل سنت، محل نزول کل آیه، مکه و زمان آن، عرفه حجة الوداع است و عبارات میانی، متصل به سیاق و درباره تبیین احکام شرعی است.

طباطبایی، سیاق پس و پیش عبارات میانی آیه را کاملاً مستقل می‌داند و معتقد است از عبارت «الیوم یئس الذین کفروا...» تا «رضیت لکم الإسلام دیناً» جملات معترضه به هم پیوسته و واحدی است که میان بیان احکام شرعی آمده و سپس شواهدی از منابع عامه را نیز ذکر می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۵/۱۶۷-۱۶۸). وی پس از آن، ضمن بحث مفصلی که ذکر جزئیاتش خارج از بحث است، اقوال گوناگون مفسران درباره احتمالات معنایی این عبارات را ذکر کرده، جملگی را با ادله‌ای آشکار رد می‌کند و موضوع روز مأیوس شدن کافران از اسلام را، که همان روز اکمال دین و اتمام نعمت است، بر معرفی حضرت علی (ع) از سوی پیامبر (ص) به عنوان جانشین خود، مستقر می‌کند و با روش قرآن به قرآن، آن معنا را با سایر آیات قرآن پیوند می‌دهد (همان: ۵/۱۶۹-۱۸۲).

تفسیر معاصرانه ابتدا مکان و زمان نزول آیه را طبق باور اهل سنت، عرفه حجة الوداع معرفی می‌کند و آن قول را به اکثریت مفسران انتساب می‌دهد و بدون ذکر نامی از مفسران شیعه،

فقط نام طبری، قرطبی و واحدی را می‌برد و سپس قول شاذ مجاهد را درباره نزول این آیه در روز فتح مکه ذکر می‌کند و البته قدحی بر آن وارد نمی‌کند (نصر، ۱۴۰۰: ۲/۲۷۴-۲۷۵). در حالی که طبق استدلال‌های صاحبان تفاسیر شیعی، از جمله طباطبایی، که گزارش آن پیش‌تر گذشت، هر دو قول یادشده ایرادهایی دارد.

نگارندگان تفسیر معاصرانه با اینکه در مقدمه، تفسیر المیزان را یکی از تفاسیر منبع خود دانسته‌اند، در این موضوع مهم و سرنوشت‌ساز، به مفاد تفسیر المیزان و اشکالاتی که طباطبایی بر باور اهل سنت در زمان و مکان نزول آیه، وارد کرده است، توجهی نمی‌کنند. همچنین، در ادامه، راجع به ناامیدی کافران، اکمال دین و اتمام نعمت، احتمالاتی را منطبق با آرای عامه مطرح می‌کنند، مانند ناامیدی کافران در حجة الوداع و اکمال دین و اتمام نعمت با تکمیل مناسک حج یا تکمیل وحی یا پیروزی بر مشرکان و بازداشتن آنها از حج؛ و لابه‌لای احتمالات فوق، به احتمال نزول آیه در غدیر خم و راجع به موضوع امامت نیز به عنوان احتمالی دیگر از زبان برخی از روایات متقدم شیعه اشاره می‌کنند (همان: ۲/۲۷۷-۲۷۹)، در حالی که چنین موضوعی اولاً باور تمام شیعیان و نه برخی از آنها بوده، و ثانیاً منحصر در منابع روایی متقدم نیست و در منابع روایی متأخر و حتی معاصر نیز به طرق مختلف (حتی برخی از طرق عامه) آمده است.

گذشته از آن، در بیان ماجرای غدیر خم، تفسیر معاصرانه، روایت نبوی «من کنت مولاه فعلی مولاه» را نقل و برداشت شیعه و سنی را ذکر کرده، اما پس از آن، نزول این بخش از آیه در غدیر خم را با وجود روایاتی از شیعه که نزول آیه و فرمایش پیامبر (ص) را در عرفه حجة الوداع دانسته‌اند، رد می‌کنند (همان: ۲/۲۷۸-۲۷۹). اولاً عبارت «بر طبق برخی از روایات شیعی» بدون درج منبع، از متنی مانند تفسیر معاصرانه که داعیه بالاترین سطح پژوهشی را دارد، بعید است؛ ثانیاً عموم روایات شیعه، شأن نزول عبارات میانی آیه اکمال را در غدیر خم دانسته‌اند (نک: بحرانی، ۱۴۲۷: ۲/۳۷۲-۳۹۳) و اگر اندک روایاتی از



منابع شیعه، مانند روایت عیاشی از جعفر خزاعی، به نزول آن در عرفه حجة الوداع اشاره کرده‌اند، از سویی یارای مقابله با حجم روایات مخالف (نزول آیه در غدیر خم) را نداشته و از سوی دیگر، در ادامه همان روایات نیز موضوع اکمال دین و اتمام نعمت، به «ولایت امیرالمؤمنین» محصور شده است (عیاشی، ۱۴۱۱: ۳۲۲/۱). ثالثاً عالی‌ترین سطح پژوهشی ایجاب می‌کند که در مقابل وجود روایاتی نادر در شیعه مبنی بر نزول آیه در عرفه، به روایات فراوانی از عامه اشاره شود که نزول آیه را در روز غدیر خم دانسته‌اند؛ برخی از پژوهشگران، فهرستی از اسناد اهل سنت درباره نزول عبارات میانی آیه اکمال در غدیر خم را به انضمام متن روایات آورده‌اند (نک: ابن طاووس، ۱۴۰۰: ۱۴۶/۱-۱۴۸؛ بحرانی، ۱۴۲۷: ۳۹۴/۲-۳۹۵).

با این حساب، چندین ادعای سرویراستار تفسیر معاصرانه، مانند بی‌طرفی، استفاده از تفاسیر معتبر نزد فریقین و ایجاد توانایی رد اقوال نادرست در مخاطب، محل مناقشه قرار می‌گیرد؛ زیرا صرف نظر از فقدان توازن در گزینش تفاسیر مرجع (که در ۴۰ تفسیر نام‌برده در مقدمه، فقط ۶ تفسیر از شیعه آورده و ۳۴ تفسیر، از تفاسیر اهل سنت است)، اولاً مفاد تفسیر معاصرانه ذیل آیه اکمال، برخلاف ادعای بی‌طرفی، تمایل آشکار به آرای عامه دارد و امکان نزول این آیه درباره امامت را به عنوان احتمالی لابه‌لای سایر احتمالات آورده است؛ ثانیاً از مفاد تفاسیری چون المیزان و صافی که جزء تفاسیر منبع وی بوده‌اند، بهره‌ای نبرده و استدلال‌های نویسنده المیزان و روایات نویسنده صافی (فیض کاشانی، ۱۴۰۲: ۱۰/۲-۱۱) در رد باور سنی را خاطر نشان نکرده است؛ ثالثاً نقل اقوال مختلف (از جمله قول مجاهد درباره نزول آیه اکمال در روز فتح مکه) بدون تحلیل و بررسی، هرگز در گزینش رأی صحیح از جانب مخاطب، کارساز نبوده و بالعکس، بر حیرت وی می‌افزاید. ممکن است در ادعای آخر، مراد وی از «اقوال نادرست» را فقط بر آرای مستشرقان غیرمسلمان، مستقر کنند که در آن صورت، دو ایراد مطرح می‌شود: نخست اینکه، تکلیف آرای نادرست برخی از مسلمانان مشخص نشده است، در حالی که رد و قبول آرای درون دینی (فریقین) برای

مخاطب مسلمان، کارسازتر از رد اقوال برون دینی (نامسلمانان) می‌نماید؛ دوم اینکه، با پذیرش این فرض، گویا سرویراستار تفسیر معاصرانه، به طور ضمنی اقوال تمام مفسران مسلمان را صحیح انگاشته، که بطلان چنین برداشتی آشکار است.

تلاش مترجم و تعلیق‌نویس محترم (ان شاء الله رحمتی) در پابرجی تفسیر معاصرانه ذیل آیهٔ اکمال، هرچند با درج پاره‌ای از آرای پژوهشگران شیعه، مقداری از فاصلهٔ ناعادلانهٔ باورهای فریقین در متن را کاسته، اما آن نیز ایراد و بلکه تعارضی آشکار دارد؛ از سویی با توجه به مستندات نقلی و تأییدات عقلی، معنای عبارات میانی آیهٔ محل بحث را بر ولایت و جانشینی علی (ع) مستقر کرده و از سوی دیگر، در تأیید آن، شعری از مولوی آورده که معنای «مولا» را «دوست» دانسته و نه «سرپرست»: «گفت هر کو را منم مولا و دوست / ابن عم من علی مولای اوست» (نصر، ۱۴۰۰: ۲۷۸/۲-۲۷۹، پ ۱).

## ۲.۲. آیهٔ ولایت

دومین آیهٔ مرتبط با موضوع «امامت» در سورهٔ مائده، آیهٔ ولایت است که می‌فرماید: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (مائده: ۵۵) ترجمهٔ تفسیر معاصرانه از این آیه چنین است: «همانا ولی / حامی شما فقط خداوند است و رسول او، و آنان که ایمان آورده‌اند، آنان که نماز به پا می‌دارند و در حال رکوع، زکات می‌دهند» (نصر، ۱۴۰۰: ۳۷۰/۲). ترجمهٔ «حامی» (که برگردان لفظ انگلیسی آن است) از واژهٔ «ولی» محل مناقشه است؛ دلیل اینکه نگارندگان تفسیر معاصرانه این معنا را انتخاب کرده‌اند، اتصالی است که وی بین این آیه و آیات قبلی ایجاد کرده و طبق قول طبری، مدعی شده که این آیه در ادامهٔ آیات پیشین است که در آن، «ولایت» به معنای «نصرت» آمده است (همان).

طباطبایی، ضمن بحث مفصلی، ثابت کرده که اولاً آیهٔ ولایت، در سیاق با آیات سابق خود، شرکت نداشته و ثانیاً معنای «ولایت» در این آیه، فراتر از نصرت بوده و شامل معانی

«تصرف» و «محبت» هم هست (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۸/۶) و عجباً که نگارندگان تفسیر معاصرانه، چونان آیه اکمال، هرگز به آرای نویسنده المیزان نپرداخته‌اند و معنا را بر «نصرت» و نهایتاً «محبت» مستقر کرده‌اند.

تفسیر معاصرانه همچنین، پس از اشاره به آرای مفسران عامه در معانی کلی این آیه مانند لزوم پذیرش حامی بودن خدا، رسول و مؤمنان، و نیز اموری همچون توصیف مؤمنان صادق و لزوم پرداخت زکات به صورت فروتنانه (که تمام اینها را طباطبایی مردود دانسته، نک.: طباطبایی، ۱۳۹۰: ۵/۶-۷)، به برخی از روایات فریقین اشاره می‌کند که در آنها، شأن نزول این آیه مخصوص حضرت علی (ع) دانسته شده، و البته به روایتی در تفسیر فخر رازی هم اشاره می‌کند که نزول آیه را در شأن ابوبکر دانسته است (نصر، ۱۴۰۰: ۲/۳۷۰-۳۷۱). اولاً فخر رازی، روایت مد نظر تفسیر معاصرانه را به عنوان تنها روایت موجود نقل نکرده و علی‌رغم نقل آن از عکرمه، روایاتی از ابن عباس، ابن سلام و ابوذر آورده که شأن نزول را خاتم بخشی علی (ع) دانسته‌اند (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۲/۳۸۲-۳۸۳)؛ ثانیاً پذیرش روایات متعارض با مناقب حضرت علی (ع) از زبان عکرمه دشوار است؛ زیرا برخی از پژوهشگران امامیه، عکرمه را از دشمنان حضرت علی (ع) و بلکه از خوارج دانسته‌اند (نک.: قمی، ۱۴۱۸: ۳/۵۴۷)؛ ثالثاً طبری با اینکه نزد بزرگان اهل سنت به جنون جمع حدیث متهم است (رضا، ۱۴۱۴: ۳/۲۹۸-۲۹۹) علی‌رغم درج روایات سدی، ابوجعفر (از دو طریق)، ابوحنیفه و مجاهد مبنی بر نزول این آیه در شأن علی بن ابی طالب (ع)، هرگز اشاره‌ای به روایت عکرمه یا هر راوی دیگری درباره شأنیت نزول آیه راجع به ابوبکر نکرده است (طبری، ۱۴۱۲: ۶/۱۸۶).

همچنین، در متن عبارات فوق در تفسیر معاصرانه، از حضرت علی (ع) به عنوان «خلیفه چهارم اسلام» یاد شده که این تعبیر با باور شیعی منطبق نیست. از این رو، مترجم به تصحیح این عبارت اهتمام ورزیده و در کروشیه آورده است: «خلیفه چهارم اسلام [سنیان و امام اول شیعیان]» (نصر، ۱۴۰۰: ۲/۳۷۱). استفاده از تعبیر یادشده، خود، نشان از تمایل

نگارندگان تفسیر معاصرانه به آرای عامه دارد که این، با ادعای بی طرفی مندرج در مقدمه این کتاب، در تعارض است.

باری، نگارندگان تفسیر معاصرانه سپس، با ادبیاتی که نشان از تضعیف محتوا دارد، آورده‌اند: «اگرچه «ولی» عموماً «حامی» یا «دوست» ترجمه شده است... شیعیان سنتاً این اصطلاحات را ناظر به مرجعیت روحانی منحصر به فرد علی (ع) و حق متعاقب او برای جانشینی پیامبر (ص) در مقام رهبر معنوی و سیاسی امت اسلامی دانسته‌اند» (همان: ۳۷۷/۲-۳۷۲). وی برای تضعیف بیشتر باور شیعی در این باب، به آرای دو تن از مفسران عامه اشاره می‌کند و می‌گوید ابن کثیر روایات خاتم بخشی حضرت علی (ع) را کاملاً معتبر ندانسته و فخر رازی هم معنای «تصرف» را به دلیل استناد نکردن حضرت علی (ع) در شورای شش نفره بدان، نپذیرفته است (همان: ۳۷۲/۲). اولاً ابن کثیر، روایات فراوانی از طرق عامه آورده و فقط برخی از آنها را به دلیل ضعف سند یا مجهول بودن راوی، معتبر ندانسته است و سپس، روایات دیگری آورده و راجع به آنها، قدحی نکرده است (نک: ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۱۲۶/۳-۱۲۷)؛ ثانیاً پاسخ ادعای فخر رازی را مترجم و تعلیق نویس تفسیر معاصرانه داده و در پابری آن، از قول جوادی آملی، می‌نویسد:

استدلال فخر رازی مخدوش است، زیرا اولاً اگر امام (ع) به این آیه استناد نکرده باشد نمی‌توان نتیجه گرفت که چنین امکانی برایش وجود نداشته است؛ امام دلایل و مستندات قوی‌تری مانند حدیث متواتر غدیر در اختیار داشته و طبعاً در وهله نخست بدان استناد می‌جسته است. ثانیاً بر طبق منابع شیعی، آن حضرت به این آیه نیز استناد کرده است (نصر، ۱۴۰۰: ۳۷۲/۲-۳۷۳، پ ۳).

علاوه بر آن، شماری از مفسران اهل سنت نیز شأن نزول این آیه را در خاتم بخشی حضرت علی (ع) دانسته‌اند؛ از جمله واحدی نیشابوری (واحدی، ۱۴۰۲: ۱۱۳-۱۱۴) که کتابش، از کتب مرجع تفسیر معاصرانه بوده و با این حال، در متن تفسیر معاصرانه اشاره‌ای بدان نشده است.

در پایان تفسیر این آیه اما، تعارض آشکاری در تفسیر معاصرانه یافت می‌شود که پس از آن همه استضعاف باور شیعه، نقل خاتم‌بخشی حضرت علی (ع) در تفاسیر سنی و مراجع نخستین را دلیلی بر وثاقت این موضوع، در تفاسیر اولیه می‌داند (نصر، ۱۴۰۰: ۳۷۳/۲). باری، آن سان که گذشت، صرف اشاره به آرای درست و نادرست و بررسی نکردن آن، جز حیرت و سردرگمی مخاطب و نیز دوری وی از منظور اصلی آیه، نتیجه دیگری نداشته و هرگز مقصود سرویراستار (طبق ادعای وی در مقدمه) مبنی بر توان بخشی به مخاطبان، در تشخیص سره از ناسره را به انجام نمی‌رساند. این در حالی است که برخی از تفاسیر منبع تفسیر معاصرانه از جهان شیعه (مانند تفسیر صافی)، طبق روایاتی چند با محوریت غدیر خم، پیوندی بین آیات سه‌گانه محل بحث برقرار کرده‌اند که رافع حیرت خواننده و ابهامات آرای اهل سنت خواهد بود (نک: فیض کاشانی، ۱۴۰۲: ۱۰/۲ و ۴۴-۴۶ و ۵۱-۷۱).

### ۳.۲. آیه تبلیغ

سومین آیه مرتبط با موضوع «امامت» در سوره مائده، آیه تبلیغ است که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الرُّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» (مائده: ۶۷). ترجمه تفسیر معاصرانه از این آیه چنین است: «ای فرستاده! آنچه را از پروردگارت به تو فرو فرستاده شده است، برسان. اگر چنین نکنی پیام او را نرسانده‌ای و خداوند تو را از مردم حفظ می‌کند. به راستی خداوند مردم کافر را هدایت نمی‌کند» (نصر، ۱۴۰۰: ۳۷۰/۲). نگارندگان تفسیر معاصرانه در تشریح آیه تبلیغ، ابتدا چند نمونه از مرویات اهل سنت را بیان کرده و سپس به باور شیعه پرداخته‌اند. در بخش نخست، به مطالبی چون «اتصال آیه به سیاق پیشین» (آیات درباره اهل کتاب) از قول طبری، «نرساندن پیام خدا در صورت کتمان هر بخش از وحی» از قول زمخشری و

«تعذیب الاهی در صورت عدم ابلاغ تمام وحی» از قول زمخشری اشاره می‌کنند (همان: ۳۸۹/۲) که همه اینها را برخی از تفاسیر مرجع تفسیر معاصرانه (مانند المیزان) با ادله‌ای فراوان مردود کرده‌اند (نک: طباطبایی، ۱۳۹۰: ۴۲/۶-۵۳) و اساساً کاملاً بدیهی است که در زمان نزول این آیه (سال دهم) تهدیدی از جانب اهل کتاب متوجه پیامبر (ص) نبوده و از سوی دیگر، تأکید قرآن بر ابلاغ تمام وحی، باید عقلاً در ابتدای نزول وحی صورت پذیرد نه پس از تکمیل قرآن و در پایان عمر شریف پیامبر اکرم (ص). آن‌سان که گذشت، مقاله پیش رو در پی اثبات ادعای شیعه نیست و به جزئیات ادله فراوان شیعه در رد آرای عامه و اثبات مدعای خود نمی‌پردازد و فقط روش تفسیر معاصرانه را می‌کاود؛ بنابراین، ادعا این است که نگارندگان تفسیر معاصرانه پس از نقل چنین اقوالی به چنین بدیهیات آشکاری که ادعاهای یادشده را ابطال می‌کنند، نپرداخته و فقط به نقل ادعاها اکتفا کرده‌اند، و نقدی بر آن (حتی به نقل از تفاسیری چون المیزان و صافی که در جدول تفاسیر مرجع تفسیر معاصرانه قرار دارند) وارد نکرده‌اند و این چنین، گویا با گزینشی هدفمند از برخی از تفاسیر عامه، محتوای آن مطالب نادرست را می‌پذیرند.

عجیب‌تر از آن، تعارضی است که در ادامه متن تفسیر معاصرانه از تشریح این آیه وجود دارد؛ بدین ترتیب که ابتدا با نقلی از عایشه، ادعای واهی برخی افراد درباره کتمان پیامبر (ص) راجع به ابلاغ برخی آیات را ابطال می‌کنند و سپس با استناد به روایتی که منبعش را مشخص نکرده‌اند، می‌نویسند:

بر طبق یک روایت، زمانی که پیامبر (ص) در مکه بود و او و پیروانش در معرض خطر دائمی از ناحیه قریشیان قرار داشتند، پیامبر (ص) معمولاً بخش‌هایی از وحی‌هایی را که دریافت داشته بود، کتمان می‌کرد ولی به محض اینکه امت اسلامی تقویت شد، آن حضرت در این آیه فرمان یافت که همه آنچه را به وی وحی شده است، به مردم برساند (نصر، ۱۴۰۰: ۳۹۰/۲).

و سپس بدون هیچ نقدی، به موضوع محافظت از جان پیامبر (ص) می پردازند. اولاً این، با روایتی که از قول عایشه و درست قبل از آن آورده بودند، متعارض است؛ ثانیاً با توجه به زمان نزول این آیه (سال دهم)، محتوای روایت فوق، حاکی از آن است که پیامبر (ص) بخش هایی از تمام قرآن را کتمان می کرده است که بطالانش واضح است؛ ثالثاً نسبت دادن کتمان وحی به شخصی چون نبی مکرم (ص)، با نص و ظاهر برخی از آیات که نشان دهنده مطالبی همچون نرسیدن پیامبر (ص) و حتی مؤمنان از مشرکان (احزاب: ۳۸-۳۹؛ آل عمران: ۱۷۵ و ۱۷۳ و ...) و دست نبردن آن حضرت در محتوای وحی (حاقه: ۴۴-۴۷؛ و ...) و حساسیت ایشان در ابلاغ تمام کلمات وحی به مخاطبان (طه: ۱۱۴؛ قیامة: ۱۶؛ و ...) است در تعارضی آشکار قرار دارد. صرف نظر از نادرستی مطالبی که گذشت، نگارندگان تفسیر معاصرانه چنانچه روش پیش فرض خود در مقدمه را که همانا روش تفسیر قرآن به قرآن است (نصر، ۱۳۹۹: ۷۸/۱-۷۹) اجرا می کردند از چنین خطایی به دور می ماندند.

باری، نپذیرفتن تفسیر شیعه از آیه تبلیغ، تعارضاتی را که گذشت به همراه دارد و تفسیر معاصرانه بدون اشاره به آن، فقط پس از نقل اقوال مختلف عامه (با محذوراتی که بیان شد)، به باور شیعیان اشاره می کند و در بخشی از آن می گوید: «مفسران شیعه می گویند پیامبر (ص) در اعلان این موضوع که به اعتقاد شیعیان امامی، از باب الهام الاهی است، گو اینکه در قرآن نیامده است، دودل بود، زیرا از واکنش اصحابش نسبت به آن هراس داشت» (نصر، ۱۴۰۰: ۳۹۰/۲-۳۹۱) و سپس جملات فوق را به ثعالبی، طباطبایی، طوسی، عیاشی و قمی نسبت می دهد. اولاً معرفی ثعالبی به عنوان مفسر شیعه، باطل است؛ زیرا، وی به یقین از مفسران اهل سنت بوده است. ثانیاً جملات مندرج در تفسیر معاصرانه در تمام تفاسیری که اشاره کرده، موجود نیست و تفسیر قمی کاملاً تهی از آن معناست (نک: قمی، ۱۴۰۴: ۱۷۱/۱-۱۷۴). ثالثاً فرمایش روایات مندرج در البرهان و نیز تعبیر نویسندگان تفاسیر المیزان و صافی، حاکی از آن است که اندیشه پیامبر (ع) درباره خوف از واکنش

اصحاب، ناشی از آن بوده که اصحاب، قول ایشان مبنی بر جانشینی حضرت علی (ع) را نه از جانب خدا و بلکه از جانب خود پیامبر (ص)، قلمداد کنند (بحرانی، ۱۴۲۷: ۴۹۴/۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۲: ۵۱/۲؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۴۸/۶) که نقل تفسیر قمی درباره پرسش خلیفه دوم از پیامبر (ص) راجع به مرجع صدور حکم جانشینی (قمی، ۱۴۰۴: ۱۷۴/۱) مؤید آن است و این خلاف دأب تفسیر معاصرانه در استخدام عالی ترین سطح پژوهشی است که محتوای تفاسیر را ناقص ذکر کند.

علاوه بر آن، اگر یکی از اهداف تفسیر معاصرانه، نمایش فهم مسلمانان در تاریخ تفسیر از آیات قرآن بوده است (نصر، ۱۳۹۹: ۶۷/۱)، برترین فهم، فهم مخاطبان نخستین پیامبر (ص) است که در تفسیر معاصرانه ذیل آیه تبلیغ، هرگز اشاره ای بدان نشده است، در حالی که سیوطی با روایاتی چند، بدان فهم اشاره کرده و جالب تر اینکه تفسیر وی (الدر المنثور) در جدول تفاسیر منبع تفسیر معاصرانه قرار دارد و این، نظریه گزینش هدفمند نگارندگان تفسیر معاصرانه از مطالب روایی را تقویت می کند. سیوطی در یکی از روایات مذکور، آشکارا از ابن مسعود نقل کرده است که: «کنا نقرأ علی عهد رسول الله صلی الله علیه و سلم: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» أَنَّ عَلِيًّا مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۹۸/۲). روایت سیوطی از ابن مسعود، فهم کاملی از مخاطبان پیامبر (ص) را به نمایش می گذارد، در حالی که نگارندگان تفسیر معاصرانه، سهواً یا عمداً، آن را به محاق برده اند.

در پایان مطالب تفسیر معاصرانه، ذیل آیه تبلیغ هم، وجود دو نکته اهمیت دارد: نخست اینکه، نگارندگان فقط شمار اندکی از مفسران سنی را راوی روایات ارتباط دهنده این آیه با شأن حضرت علی (ع) دانسته اند و فقط نام آلوسی و ثعلبی را آورده اند، در حالی که این ادعایی ناقص بوده و شمار مفسرانی که بین مفاد این آیه و شأنیت حضرت علی (ع) ارتباط برقرار کرده اند فراتر از آلوسی و ثعلبی است (نک: ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۱۱۷۲/۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۴۰۷/۱۲؛ میبیدی، ۱۳۶۱: ۱۸۱/۳-۱۸۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۹۸/۲؛ نظام الأعرج، ۱۴۱۶: ۶۱۶/۲؛



واحدی، ۱۴۰۲: ۱۱۵) و عجباً که بیشتر تفاسیری که ذکر شد، از تفاسیر منبع تفسیر معاصرانه است. نکته دیگر، انصافی است که نگارندگان در پایان به خرج داده و البته نزول این سوره در ایام پایانی عمر شریف نبی مکرم (ص) (و نه دلایل متقنی که مفسران شیعه اقامه کرده‌اند) را دلیلی بر تقویت احتمال نزول آیه تبلیغ در ماجرای غدیر خم دانسته‌اند (نصر، ۱۴۰۰: ۳۹۱/۲).

### ۳. جمع‌بندی و تحلیل انتقادات

آنچه تاکنون درباره واکاوی متن تفسیر معاصرانه ذیل آیات امامت در سوره مائده گذشت، به اجمال چنین است:

#### ۱.۳. تمایل آشکار به آرای عامه و تحلیل نکردن آن

علی‌رغم اعلام بی‌طرفی متن تفسیر معاصرانه در مقدمه آن، مطالب تفسیری ذیل آیات امامت، تمایل آشکار به آرای اهل سنت دارد تا جایی که، با فرض نشناختن سرویراستار، گمانه قریب به یقین به تسنن وی می‌رود. نگارندگان تفسیر معاصرانه، علاوه بر نگارش جملات در راستای باورهای اهل سنت (مانند معرفی حضرت علی (ع) به عنوان خلیفه چهارم اسلام) بعضاً مدعای شیعه را نیز استضعاف کرده‌اند و البته در مواضع بسیار محدودی، آن هم با تکیه بر پاره‌ای از دلایل و ضمن کلامی آمیخته با تعارض، اشاراتی اندک، در تأیید ادعای شیعه کرده‌اند. همچنین، ذکر حجم انبوهی از احتمالات که در تفاسیر عامه نمود جدی دارد، بدون تحلیل و نقد، اولاً نشان از قبول دارد و ثانیاً کمکی به مخاطب کتاب در دستیابی به مراد جدی گوینده قرآن نخواهد کرد. حال آنکه یکی از اهداف تفسیر معاصرانه در مقدمه، توانمندسازی مخاطب در تشخیص آرای ناصواب ذکر شده و چنانچه منظور را به آرای ناصواب نامسلمانان محدود کنند، باید دانست که تحلیل درون دینی آرای ناصواب، مهم‌تر از تحلیل برون دینی آن آرا است. از سوی دیگر، برخی از مفاد تفاسیر مرجع

تفسیر معاصرانه که جزء تفاسیر عامه‌اند، در مطالب فراوانی از آیات محل بحث، مؤیدی بر ادعای شیعه هستند (مانند روایت واحدی درباره سبب نزول آیه ولایت) که در تفسیر معاصرانه اشاره‌ای سرنوشت‌ساز و تعیین‌کننده به آن مؤیدات نشده است.

### ۲.۳. پای بند نبودن به سطح عالی پژوهشی

استخدام سطح عالی پژوهش، الزاماتی در پی دارد که تفسیر معاصرانه ذیل آیات امامت در سوره مائده از آن الزامات بی‌بهره مانده است، از جمله این الزامات:

۱. صحت متن انتساب‌ها؛ چه در محتوای کلام (مانند نقلی که از فخر رازی و ابن کثیر آورده بود) و چه در ذکر مرجع کلام (مانند ذکر نام ثعالبی به عنوان مفسری شیعی).
۲. ذکر کامل و بدون نقص محتوا؛ (مانند دلیل بیم پیامبر (ص) از معرفی حضرت علی (ع) که از منابع شیعه به صورت ناقص آورده بود).
۳. ذکر دوطرفه مطالب و پرهیز از گزینش پاره‌ای از مفاد تفاسیر (مانند اشاره به روایات مؤید عامه در منابع شیعه و پرهیز از اشاره به روایات مؤید شیعه در منابع عامه) علاوه بر آن، نگارندگان تفسیر معاصرانه در روایات، فقط به تفاسیر استناد کرده‌اند، در حالی که طبق استانداردهای سطوح عالی پژوهشی، نقل روایت از منابع روایی بهره‌مند می‌شود، نه از تفاسیر!

### ۳.۳. نمایش ندادن فهم مسلمانان در تاریخ تفسیر

اولاً انتخاب بی‌ضابطه تعداد ۴۰ تفسیر (شامل ۳۴ تفسیر سنی و ۶ تفسیر شیعی) نشان‌دهنده فهم مسلمانان در تاریخ تفسیر از آیات قرآن نیست، مخصوصاً وقتی در جدول تفاسیر مرجع تفسیر معاصرانه، تفاسیر متروکی مانند تفسیر ابن عجبیه از عامه یافت شود و نشانی از تفاسیر نامداری از شیعه همچون عیاشی، البرهان و منهج الصادقین در آن

جدول دیده نشود؛ ثانیاً دلیلی بر نمایش فهم تاریخی مسلمانان با گزینش پاره‌ای از مفاد برخی از تفاسیر پیشین، وجود ندارد؛ ثالثاً نگارندگان تفسیر معاصرانه، ذیل آیات امامت در سوره مائده، از برخی از روایات تفاسیر عامه (که جزء تفاسیر منبع وی نیز بوده است) که در راستای اثبات ادعای شیعه، آشکارا فهم صحابه از معنای آیه مد نظر را روایت کرده‌اند (مانند روایت سیوطی از ابن مسعود در معنای آیه تبلیغ) اجتناب کرده و این، با ادعایشان در نمایش فهم مسلمانان در تاریخ تفسیر، در تضاد است.

### ۴.۳. ایجاد نکردن پیوستگی میان آیات امامت در سوره مائده

تمایل آشکار به آرای عامه و پرهیز از متون تفاسیر شیعی در رد ادعاهای عامه، سبب شده است نگارندگان تفسیر معاصرانه، مانند سایر تفاسیر عامه، گسستی بین آیات امامت در سوره مائده ایجاد کنند و به ناچار به محذوراتی مانند «ترس پیامبر اکرم (ص)» و «کتمان بخشی از وحی» قائل شوند که نه تنها تفسیر درستی از آیات مطرح نکرده و به هتک حرمت آن حضرت می‌انجامد، بلکه مبنایشان را در تفسیر قرآن به قرآن، در معرض پرسش قرار می‌دهد. چنانچه تفتنی به تفاسیر المیزان و صافی (که جزء معدود تفاسیر شیعی موجود در جدول تفاسیر منبع وی بود) می‌کردند، می‌توانستند از محذوراتی که با آن روبه‌رو شده‌اند، رهایی یابند؛ زیرا نویسندگان تفاسیر المیزان و صافی با تکیه بر منابع نقلی و ادله عقلی، پیوندی منطقی میان آیات امامت در سوره مائده ایجاد کرده‌اند که با تکیه بر آن، نه محذورات تاریخی (در اموری همچون: پذیرش خطاب به اهل کتاب، نزول در اوایل بعثت و...) پیش می‌آید و نه محذورات اعتقادی درباره نبوت (مانند ترس آن حضرت از مشرکان، کتمان پاره‌ای از وحی و...). علاوه بر آن، پیوند منطقی بین آیات محل بحث که حتی در عامه نیز از تأییدات روایی برخوردار است (و اسناد آن، پیش‌تر گذشت)، قادر است ذهن مخاطب را به مراد جدی گوینده قرآن نزدیک، و منظور واقعی آیات را هویدا کند.

آنچه گذشت، چنانچه سهواً از نگارندگان تفسیر معاصرانه سر زده باشد توجیه پذیر است، هرچند مخاطب تفسیر معاصرانه، مخاطبی جهانی است و اشتباهات محتوایی اش (چه سهوی باشد و چه عمدی)، آثار جبران ناپذیری به بار می آورد، اما وحدت رویه در این آیات، احتمال سهوی بودن گزینش نادرست مطالب را تضعیف می کند. باری، اثبات چنین خطایی، با توجه به بررسی متن سایر آیات در تفسیر معاصرانه میسر خواهد شد که خارج از بحث پژوهش پیش رو است.

### نتیجه

مقاله حاضر، ضمن عبور از ادله شیعه در اثبات موضوع امامت در آیات ۳ (اکمال)، ۵۵ (ولایت) و ۶۷ (تبلیغ) از سوره مائده، متن تفسیر معاصرانه ذیل آیات یاد شده را بررسی کرد و در خصوص تفسیر آیات محل بحث، به نتایج زیر دست یافت:

۱. علی رغم ادعای سرویراستار در مقدمه تفسیر معاصرانه مبنی بر بی طرفی مذهبی نگارندگان، متن این کتاب، تمایل آشکاری به آرای اهل سنت دارد و ضمن استضعاف آشکار باورهای شیعی، حتی از استخدام مطالب تفسیری موجود در اندک تفاسیر شیعه مندرج در جدول تفاسیر منبع نیز باز مانده و ضمن درج مفاد تفاسیر عامه، پاسخی در رد ادعاهای نادرست نداده است.

۲. دیگر ادعای سرویراستار، برخورداری متن تفسیر معاصرانه از عالی ترین سطح پژوهشی است که با توجه به خطاهایی همچون صحیح نبودن متن انتساب ها، ذکر نکردن محتوای کامل و بدون نقص، ذکر یک سویه مطالب و پرهیز از گزینش پاره ای از مفاد سرنوشت ساز تفاسیر فریقین، ادعای اخیر نیز محل مناقشه است.

۳. متن تفسیر معاصرانه ذیل آیات محل بحث، برخلاف ادعای نخستین آن، نه تنها نمایشی از فهم مسلمانان در تاریخ تفسیر عرضه نمی‌کند، بلکه به سردرگمی و حیرت مخاطب نیز منتج می‌شود و ناجوان مردانه وی را در کوران احتمالات فراوانی که خود، مخاطب را به میان آنها انداخته است، رها می‌کند.

۴. بی‌توجهی به مفاد تفاسیر شیعه (که در جدول تفاسیر منبع تفسیر معاصرانه نیز قرار دارند) در پاسخ‌گویی به مطالب تفاسیر عامه باعث شده است نگارندگان، ۱. از برقراری ارتباط بین آیات امامت در سوره مائده عاجز بمانند؛ ۲. از مبنای روش خود در تفسیر قرآن به قرآن دور شوند؛ ۳. معنایی دور از مراد جدی گوینده قرآن پیش نهند؛ ۴. در محذورات تاریخی و اعتقادی گیر بیفتند و بدون ذکر پاسخ، مخاطب را نیز به ورطه مهلک آن محذورات بکشانند.



### پی‌نوشت

۱. عشریه، رحمان؛ حسینی پور، سید محمد (۱۴۰۰). «روش‌شناسی قرآن‌شناخت (تفسیر معاصرانه قرآن کریم) با رویکرد انتقادی»، در: قرآن پژوهی خاورشناسان، س ۱۶، ش ۳۰، ص ۳۱-۶۰.

## منابع

- قرآن کریم.
- ابن أبی حاتم، عبد الرحمن بن محمد (١٤١٩). تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: أسعد محمد طیب، ریاض: مكتبة نزار مصطفى الباز، الطبعة الثالثة.
- ابن طاووس، علی بن موسی (١٤٠٠). الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف، قم: مطبعة الخيام.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (١٤١٩). تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: محمد حسین شمس الدین، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، الطبعة الاولى.
- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان (١٤٢٧). البرهان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، الطبعة الثانية.
- رضا، محمّد رشید (١٤١٤). تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)، بیروت: دار المعرفة، الطبعة الاولى.
- سیوطی، عبد الرحمان بن ابی بکر (١٤٠٤). الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم: کتاب خانه آیت الله مرعشی، چاپ اول.
- طباطبائی، محمّد حسین (١٣٩٠). المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، الطبعة الثانية.
- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر (١٤١٢). جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفة، الطبعة الاولى.
- عیاشی، محمد بن مسعود (١٤١١). تفسیر العیاشی، تصحیح و تعلیق: السید هاشم الرسولی المحلاتی، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، الطبعة الاولى.
- فخر رازی، محمد بن عمر (١٤٢٠). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت: دار إحياء التراث العربی، الطبعة الثالثة.
- فیض کاشانی، مولی محسن (١٤٠٢). تفسیر الصافی، تصحیح: حسین الأعلمی، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، الطبعة الثانية.

واکاوی انتقادی تفسیر آیات امامت در کتاب تفسیر معاصرانه قرآن کریم / ۱۰۹

- قمی، عباس (۱۴۱۸). سفینه البحار و مدینه الحکم والآثار، تحقیق: مجمع البحوث الاسلامیة، تقدیم و اشراف: علی اکبر الهی الخراسانی، مشهد: آستانة الرضویة، الطبعة الاولى.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴). تفسیر القمی، تصحیح و تعلیق: السید طیب الموسوی الجزائری، قم: دار الكتاب للطباعة والنشر، الطبعة الثالثة.
- میبدی، رشیدالدین ابوالفضل (۱۳۶۱). كشف الأسرار و عدة الأبرار، تصحیح: علی اصغر حکمت، تهران: امیرکبیر، چاپ چهارم.
- نصر، سید حسین؛ و همکاران (۱۳۹۹). تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ترجمه: ان شاء الله رحمتی، تهران: سوفیا، چاپ اول، ج ۱.
- نصر، سید حسین؛ و همکاران (۱۴۰۰). تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ترجمه: ان شاء الله رحمتی، تهران: سوفیا، چاپ اول، ج ۲.
- نظام الأعرج، حسن بن محمد (۱۴۱۶). غرائب القرآن و رغائب الفرقان، تحقیق: زکریا عمیرات، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، الطبعة الاولى.
- واحدی، علی بن احمد (۱۴۰۲). اسباب النزول، بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة الاولى.

## References

- The Holy Quran
- Ayyashi, Mohammad ibn Masud. 2001. Tafsir al-Ayyashi, Researched by Seyyed Hashem Rasuli Mahallati, Beirut: Al-Alamy Foundation for Publications, First Edition. [in Arabic]
- Bahrani, Seyyed Hashem ibn Solayman. 2006. Al-Borhan fi Tafsir al-Quran (Argument in the Interpretation of the Quran), Beirut: Al-Alami Institute for Publications, Second Edition. [in Arabic]
- Fakhr Razi, Mohammad ibn Omar. 1999. Al-Tafsir al-Kabir, Mafatih al-Ghayb (Great Exegesis, Keys to the Unseen), Beirut: Arab Heritage Revival House, Third Edition. [in Arabic]
- Feyz Kashani, Molla Mohsen. 1981. Tafsir al-Safi, Edited by Hoseyn al-Alami, Beirut: Al-Alamy Foundation for Publications, Second Edition. [in Arabic]
- Ibn Abu Hatam, Abd al-Rahman ibn Mohammad. 1998. Tafsir al-Quran al-Azim (Interpretation of the Great Quran), Researched by Asad Mohammad Tayyeb, Riyadh: Nazar Mostafa al-Baz Press, Third Edition. [in Arabic]
- Ibn Kathir, Ismail ibn Omar. 1998. Tafsir al-Quran al-Azim (Interpretation of the Great Quran), Researched by Mohammad Hoseyn Shams al-Din, Beirut: Scientific Books House, Mohammad Ali Beyzun Press, First Edition. [in Arabic]
- Ibn Tawus, Ali ibn Musa. 1979. Al-Taraef fi Marefah Mazaheb al-Tawaef (Anecdotes in Knowing the Religions of the Tribes), Qom: Al-Khayyam Press. [in Arabic]
- Meybodi, Rashid al-Din Abu al-Fazl. 1982. Kashf al-Asrar wa Oddah al-Abrar (Revelation of Secrets and Provision of the Righteous), Edited by Ali Asghar Hekmat, Tehran: Amirkabir, Fourth Edition. [in Arabic]
- Nasr, Seyyed Hoseyn; et al. 2020. Tafsir Moaseraneh Quran Karim (Contemporary Interpretation of the Holy Quran), Translated by Enshallah Rahmati, Tehran: Sufiya, First Edition, vol. 1. [in Farsi]
- Nasr, Seyyed Hoseyn; et al. 2021. Tafsir Moaseraneh Quran Karim (Contemporary Interpretation of the Holy Quran), Translated by Enshallah Rahmati, Tehran: Sufiya, First Edition, vol. 2. [in Farsi]
- Nezam al-Araj, Hasan ibn Mohammad. 1995. Gharaeb al-Quran wa Raghaeb al-Forghan (Strange Words of the Quran and Desires of the Criterion), Researched by Zakariya Omayrat, Beirut: Scientific Books House, Mohammad Ali Beyzun, First Edition. [in Arabic]
- Qomi, Abbas. 1997. Safinah al-Bihar wa Madinah al-Hokm wa al-Athar (The Ship of the



Seas and the City of Government and Antiquities), Researched by Islamic Research Academy, Foreworded by Ali Akbar Elahi Khorasani, Mashhad: Razawi Shrine, First Edition. [in Arabic]

- Qomi, Ali ibn Ibrahim. 1983. Tafsir al-Qomi, Edited & Annotated by Seyyed Tayyeb Musawi Jazaeri, Qom: Book House for Printing and Publishing, Third Edition. [in Arabic]
- Reza, Mohammad Rashid. 1993. Tafsir al-Quran al-Hakim (Tafsir al-Menar), Beirut: Knowledge House, First Edition. [in Arabic]
- Suyuti, Abd al-Rahman ibn Abu Bakr. 1983. Al-Dorr al-Manthur fi al-Tafsir be al-Mathur (The Narrative Pearl in the Interpretation of the Quran by Narrations), Qom: Ayatollah Marashi Library, First Edition. [in Arabic]
- Tabari, Abu Jafar Mohammad ibn Jarir. 1991. Jame al-Bayan fi Tafsir al-Quran (Comprehensive Statement on the Interpretation of the Quran), Beirut: Knowledge House, First Edition. [in Arabic]
- Tabatabai, Mohammad Hosayn. 1970. Al-Mizan fi Tafsir al-Quran (The Yardstick of the Interpretation of the Quran), Beirut: Al-Alamy Foundation for Publications, Second Edition. [in Arabic]
- Wahedi, Ali ibn Ahmad. 1981. Asbab al-Nozul (The Contexts of the Revelation), Beirut: Scientific Books House, First Edition. [in Arabic]